

روایتی از یک دورهمی متفاوت در محله سپس آباد

جایی که کتاب، دختران محله را دور هم جمع می‌کند

۳



عیدگاه

ریحانه مبهوت که از نخستین روزهای شکل‌گیری این دورهمی مسئولیت معرفی کتاب‌ها را برعهده داشته است، درباره حال و هوای این پاتوق می‌گوید: همیشه سعی می‌کنم کتاب‌هایی را برای بچه‌ها معرفی کنم که هم جذاب باشد و هم به کارشان بیاید. اینجا ابتدا کتاب را معرفی می‌کنم و بعد بچه‌ها شروع به خواندن می‌کنند. تلاشمان این است که کتاب خوانی فقط به خواندن چند صفحه محدود نشود و با تحلیل و گفت‌وگو پیش برود.

● کتاب‌ها تا چهارشنبه بعد دوام نمی‌آورند

مبهوت از علاقه دختران به برخی کتاب‌ها هم روایت جالبی دارد: «بعضی از کتاب‌ها آن قدر برای بچه‌ها شیرین و جذاب است که طاقت نمی‌آورند تا هفته بعد صبر کنند و ادامه داستان را بخوانند. همان جاکتاب را از ما یا کتابخانه‌های سطح شهر امانت می‌گیرند و تا قبل از جلسه بعدی تمام یا بخش زیادی از کتاب را می‌خوانند.» به گفته او، همین اشتیاق باعث شده است کتاب خوانی برای دختران این پاتوق تنها یک برنامه هفتگی نباشد؛ گاهی قصه‌ای که چهارشنبه‌ها آغاز می‌شود، دختران را تا روزهای بعد با خود همراه می‌کند.

زینب کریمی، یکی از دختران فعال این جمع، می‌گوید دورهمی‌های هفتگی باعث شده کتاب خوان شود. او معتقد است مطالعه، اطلاعات و قدرت تفکر آدم را بیشتر می‌کند. کریمی می‌گوید: بچه‌هایی که اینجا دور هم جمع می‌شوند، به واسطه کتاب خواندن و گفت‌وگو درباره آن، از خیلی از هم‌سن و سال‌های خودشان جلوتر هستند.

با هم حرف می‌زنند؛ از منش پهلوانی ابراهیم می‌گویند و از قصه‌هایی که برایشان جذاب بوده است. هرکدام بخشی از داستان را از نگاه خودش روایت می‌کنند و همین گفت‌وگوها، کتاب خوانی را برایشان شیرین‌تر می‌کند.

دختران حلقه وار کنار هم نشسته‌اند که ریحانه مبهوت، مسئول برگزاری پاتوق کتاب خوانی، جلد دوم کتاب «سلام بر ابراهیم» را در دست می‌گیرد و برای جمع معرفی می‌کند. چند دقیقه بعد از بچه‌ها می‌خواهد هرکدام یک صفحه از کتاب را با صدای بلند بخوانند.

یکی از دختران صفحه‌ای را می‌خواند و بقیه با دقت گوش می‌دهند؛ انگار هر جمله، آن‌ها را یک قدم بیشتر با قصه همراه می‌کند. نگاه‌ها به کتاب دوخته شده و گوش‌ها تیز است تا ببینند داستان به کجای می‌رسد و ماجرای ابراهیم در ادامه چه چیزی برایشان روایت خواهد کرد.

محمدرضا فیضی | چهارشنبه‌ها که از راه می‌رسد، دختران محله سپس آباد، چشم انتظار ساعت ۱۶ می‌مانند؛ ساعتی که قرار است دوباره دور هم جمع شوند. کتابی را که خوانده‌اند، ورق بزنند و از آنچه در ذهن و دلشان مانده است، برای دوستانشان بگویند.

پایگاه بسیج فدک در خیابان رسالت ۹۱، هر هفته میزبان این جمع صمیمی است؛ دخترانی که به جای گذراندن بخشی از اوقات فراغت خود در فضای مجازی، چند ساعتی را به کتاب و گفت‌وگو درباره آن اختصاص می‌دهند. هرکدام کتاب را از زاویه نگاه خود روایت می‌کنند؛ یکی از شخصیت‌ها می‌گوید، دیگری از داستان و پیام آن و دیگری از بخشی که بیشتر از همه توجهش را جلب کرده است.

«پاتوق دختران محله سپس آباد» حدود دو سال پیش با محوریت کتاب و کتاب خوانی شکل گرفت و از آن زمان تاکنون، چهارشنبه‌ها به فرصتی برای خواندن، گفت‌وگو و تبادل نظر تبدیل شده است.

● این هفته «سلام بر ابراهیم»

در میان جمع صمیمی دختران محله سپس آباد، فاطمه ارضی، فرمانده پایگاه بسیج فدک، نیز هر هفته کنار دختران می‌نشیند؛ کتاب را با آن‌ها می‌خواند و در گفت‌وگوهایشان همراه می‌شود. این چهارشنبه، صحبت‌ها درباره کتاب «سلام بر ابراهیم» است؛ کتابی که روایت زندگی و مرام پهلوانی شهید ابراهیم هادی را به تصویر می‌کشد. دختران درباره بخش‌های مختلف کتاب



فرهنگ‌سرای انقلاب اسلامی، میزبان نمایشگاه «زنگ پرواز» بود

روایت رنگ‌ها از آرزوهای نیمه‌تمام میناب

۴



عیدگاه

است؛ به طوری که با تحسین به برخی تابلوها اشاره می‌کند و به مهارت دانش‌آموزانی که آن‌ها را کشیده‌اند، آفرین می‌گوید. خانم سبحانی، مادر محدثه هم آثار را در زمان‌هایی که منتظر بوده است تا کلاس دخترش تمام شود، تماشا کرده است. او مادر چهار فرزند است و روایتی مادرانه از زنگ پرواز دارد: «فقط می‌توانم از خدا برای پدر و مادر این بچه‌ها طلب صبر کنم. شهدا که جایشان خوب است ولی این داغ، سنگین است و زندگی برای بازماندگان، به روال سابق بر نخواهد گشت به ویژه اینکه بیشتر کودکان شهید، آن طوری که من در خبرها دنبال می‌کردم، از خانواده‌هایی تک‌فرزند و دو فرزند بودند. از دست دادن بچه در چنین شرایطی یعنی ثمره عمر یک زن و شوهر از دست رفته و زندگی‌شان، دست‌کم یک دهه به عقب برگشته است.»

شهروند محله رده با تماشای آثار، تعجب و تأسفش بابت برخی تردیدافکنی‌ها در مورد عاملان شهادت دانش‌آموزان میناب را مرور می‌کند و می‌گوید: خون این بچه‌ها، مرز حق و باطل را روشن کرده اما بعضی‌ها هنوز بیدار نشده‌اند. شاید چون در واقع خواب نیستند و خود را به خواب زده‌اند.

پرواز، رویدادی است در همان راستا که این بار، دانش‌آموزان با هنر نقاشی در ثانی دانش‌آموزان شهید میناب، خلق کرده‌اند.

او حال بازدیدکنندگان این نمایشگاه را می‌فهمد و از داغی می‌گوید که با گذشت چندین ماه، خبری از سرد شدن آن نیست؛ «مردم را می‌بینم که می‌ایستند پای تابلوها و خیره خیره نگاه می‌کنند به چهره دختران شهید میناب. به چه چیزی فکر می‌کنند و در ذهنشان چه می‌گذرد، دقیق نمی‌دانم و نخواسته‌ام خلوتشان را با سؤال‌هایم به هم بزنم.»

توانا می‌گوید: مخاطبان این آثار در فرهنگ‌سرا به ویژه نوجوانان و بانوان بزرگ سال، قشری آموزش‌پذیر هستند که دغدغه یادگرفتن و فهمیدن دارند و این مهم، امید به انتقال پیام زنگ پرواز به آن‌ها را دوچندان می‌کند.

● روایتی مادرانه از نمایشگاه

مهر امسال که بیاید، باید برود کلاس ششم ابتدایی. محدثه قربانی، از ساکنان خیابان افسر شمالی در محله رده، برای شرکت در کلاس زبان انگلیسی به فرهنگ‌سرا آمده است. بدون آنکه روی تابلوهایی اکران شده در نگارخانه، توضیحی درباره محتوای آثار، ارائه شده باشد، او از روی حال و هوای نقاشی‌ها، متوجه شده که ماجرا، مربوط به میناب است و دخترانی که مثل خودش، آرزوهای بسیاری برای فرداهایشان داشتند.

تجربه یک ترم کلاس طراحی، او را با الفبای این هنر، آشنا کرده

فرزانه شهامت | صدای مظلومیتشان آن قدر بلند است که از تابلوهای نشسته روی دیوارهای نگارخانه ارم، بیرون می‌زند و دست می‌گذارد روی شانه مراجعانی که با شتاب در راهروهای فرهنگ‌سرای انقلاب اسلامی آمد و شد دارند. لحظاتی توقف، تماشا و اندوه، بابت خاموش شدن نگاه‌ها و لبخندهای دخترکان دانش‌آموز میناب با چاشنی لذتی عمیق از هنرمندی خالقان آثار، ثمره حضور در «زنگ پرواز» است؛ نمایشگاهی از نقاشی‌های برگزیده دانش‌آموزان دغدغه‌مند مشهدی که حمله آمریکا در نهم اسفند ۱۴۰۴ را دستمایه هنرنمایی‌شان کرده‌اند.

● تماشا در سکوت

مرداد که تمام شود، نمایش ۴۴ اثر از ۴۰ دانش‌آموز مشهدی در فرهنگ‌سرای انقلاب اسلامی نیز به پایان می‌رسد و نقاشی‌ها می‌روند برای نمایش در دیگر فرهنگ‌سراهای سطح شهر. این را محمدابراهیم توانا می‌گوید؛ مدیر فرهنگ‌سرای انقلاب که زنگ پرواز در آن به اکران عمومی درآمده است. او که پیش از این هم تجربه برگزاری نمایشگاه‌های مرتبط با تاریخ و هنر انقلاب اسلامی را در این فرهنگ‌سرا داشته است، می‌گوید که از استقبال اهالی منطقه برای تماشای «زنگ پرواز»، اطمینان داشته است؛ «زمستان پارسال، نمایشگاه عکس حوادث نهم و دهم دی ماه ۱۳۵۷ را برگزار کردیم. همچنین نمایشگاه رستاخیز را که با همکاری اندیشکده راهبردی سعداء برپا شده بود. زنگ